



تاریخ و روز حال



حجگزاری

زنان مشهور

مهدی مهریزی

درآمد

از موضوعاتی که در مبحث «زن و حج» جای پژوهش و تحلیل دارد، شناسایی حجگزاری زنان مشهور در دوره‌های مختلف تاریخ اسلامی است.

این تتبع و پژوهش از چند منظر سودمند است:

۱. نگاه جوامع اسلامی به زن در این ادوار را نشان می‌دهد و تعداد زنان حاجی و نوع سفر و مشکلات و گرفتاری‌های آنان در این مسیر تحلیل می‌گردد.

۲. از این طریق می‌توان به نگاه زنان بر حج و آموزه‌ها و تعالیم آن دست یافت و می‌شود فهمید که زنان چه تلقی از حج پیدا می‌کردند و کدام بخش‌های این سفر معنوی برای آنان جالب توجه و جاذب بوده است. روشن است که میزان تأثیرگذاری حج زنان در بُعد اخلاقی و فرهنگی، در این مقوله می‌گنجد.

۳. بایگای معنوی و فرهنگی حج در میان مسلمانان و به ویژه زنان را از اینگونه تحقیقات و پژوهش‌ها می‌توان فهمید.

تا آنجا که نگارنده تتبع کرده، هنوز کار مستقلی در این زمینه انجام نگرفته و سامان نیافته است و تنها مطلب اختصاصی در این زمینه - که بدان دست یافتیم - فصلی کم حجم از کتاب «الدرر الفرائد المنظمة فی اخبار الحاج و طریق مكة المعظمة» نوشته عبدالقادر بن

محمد الأنصاری الجزیری الحنبلی، متوفای ۹۷۷ ق. می‌باشد.

وی فصل چهارم از باب هفتم کتابش را با عنوان «الفصل الرابع فی ذکر من حج من النساء و الخوندات، و اکابر المخدرات» به این مسأله اختصاص داده و ۲۶ زن سرشناس را که به سفر حج رفته‌اند به اجمال گزارش کرده است. حجم صفحات این فصل حدود ۱۲/۵ صفحه است. (۴۹۳ - ۴۸۱)

این گزارش ضمن برخورداری از امتیاز ابداع و ابتکار در پرداختن به حج‌گزاری زنان و پیشتازی و سبقت، دارای سه نقیصه است:

۱. تنها زنان وابسته به حاکمان و پادشاهان را گزارش کرده و از دیگر طبقات به ویژه زنان عالم و دانشمند و اهل خیر و سیر و سلوک تهی و خالی است.
۲. این گزارش تنها زنان شرق عربی را در بر می‌گیرد و به دیگر مناطق جهان اسلام؛ مانند غرب عربی و ایران و... نمی‌پردازد.
۳. نقیصه سوم، که البته از مؤلف نیست، این است که تا زمان حیات مؤلف را که به اواخر قرن دهم برمی‌گردد در برگرفته و از آن پس، حدود پنج قرن می‌گذرد که در این گزارش جایش خالی است و طبیعی است که در این دوره‌های متأخر به جهت سهولت سفر و رفت و آمد و مهیا بودن وسیله‌های مدرن موارد بیشتری قابل ثبت و گزارش است. برای اینکه باب تنبیح و پژوهش و تحلیل در این باب گشوده شود، نخست ترجمه آزاد نوشته عبدالقادر حنبلی را می‌آورم و در ادامه به برخی موارد که تا این زمان به دست آورده‌ام، ضمیمه می‌کنم. بر این اساس این نوشته در دو قسمت تنظیم می‌شود:

یکم. حج‌گزاری زنان مشهور بر پایه کتاب «الدرر الفرائد المنظمه...»^۱

۱. عایشه، دختر طلحة بن عبید الله، بن عثمان، بن عمرو، بن کعب، بن سعد، بن تیم، بن هرة تیمی. (سال ۹۵ ق.)

وی در سال ۹۵ ق. حج گزارد و امیرالحاج در آن سال ولید بن عبدالملک بن مروان بود. عایشه نزد ولید رفت و از او خواست همراهانی برایش بگمارد. ولید گروهی از مردان را با شصت قاطر و هودج همراه وی کرد.

در آن سال سکینه دختر امام حسین علیه السلام نیز به حج آمده بود ولی شوکت و امکانات عایشه بیشتر بود. جارچی عایشه شعری با این مضمون خواند:

عایشه که شصت قاطر داری، همیشه تا زنده هستی چنین حج گزاری

این سخن بر سکینه گران آمد و جارچی‌اش پیاده شد و چنین خواند:

عایشه این همتا و هووی تو از تو گله دارد، اگر پدرش نبود پدرت هدایت نمی‌شد.

عایشه یک بار دیگر نیز حج گزارد که امیر مکه، حارث بن خالد بن عاص از طرف عبدالملک بن مروان بود. حارث به عایشه علاقه‌مند بود و او را دوست می‌داشت. روزی عایشه برایش پیغام فرستاد که نماز را به تأخیر بینداز تا از طواف فارغ شوم. حارث به مؤذن دستور داد که اقامه نماز را به تأخیر اندازد تا طواف عایشه تمام شود.

سر و صدای مردم بلند شد ولی حارث نماز را اقامه نکرد تا طواف عایشه تمام شد. این مطلب برای حج گزاران گران آمد و خبر به عبدالملک رسید، او را عزل کرد و از کارش انتقاد نمود. حارث گفت: خشم عبدالملک چه جایی دارد وقتی عایشه خوشنود شده است؟! به خدا سوگند اگر طوافش تا شب به طول می‌انجامید نماز را تا شب به تأخیر می‌انداختم!

۲. خیزران مادر موسی الهادی و هارون الرشید

خیزران کسی است که مروان بن ابی حفصه درباره‌اش این شعر را سرود:

خیزران اینجا و آنجا و همه جا امروز پسرانت حکمرانی می‌کنند.

هارون او را منع کرد و گفت: مادرم را به خوبی و بدی یاد مکن.

روزی هم مروان نزد موسی الهادی خیزران را ستود که موسی وی را تهدید به قتل کرد.

خیزران کنیزی جرش^۲ بود که مهدی عباسی او را خرید و آزاد کرد و با وی ازدواج نمود.

سه زن بودند که دو فرزندشان خلیفه شد یکی همین خیزران بود. دیگری ولاده، همسر عبدالملک بن مروان که ولید و سلیمان فرزندان^۳ش به حکومت رسیدند و سومی شاه فرید، دختر یزدجرد، همسر ولید بن عبدالملک بود که پسرانش یزید و ابراهیم به خلافت رسیدند.

هشام گفته است: خیزران زنی خردمند و دوراندیش و اهل صلاح و کار خیر بود.

درآمد سالیانه‌اش شش هزار و شصت میلیون درهم بوده که همه آن را در راه خیر و صدقه مصرف می‌کرد.

خیزران مانند مادران خلفا با شکوه و هیمنه و دست و دل بازی و خصال اخلاقی نیکو حج به جا آورد. وقتی خیزران از حج بر می‌گشت، شریک در محل قضاء الکوفه به انتظار نشست تا او را ببیند، با خود نانی همراه داشت. قافله خیزران تاخیر داشت، نانش خشک شد و آن با آب خیس می‌کرد و می‌خورد. به خاطر این کارش ابوالمنهال علاء غنوی او را هجو کرد.

ابن جوزی در «مرآة الزمان» از هیثم نقل می‌کند: وقتی خیزران در مکه بود، همسرش، مهدی عباسی اشعاری برایش فرستاد:

ما در بالاترین سرور به سر می‌بریم ولی سرور ما جز با وجود شما آرامش بخش نیست
بدی وضعیت ما ای دوستم آن است که شما غایبید و ما حاضر
در آمدن بکشید بلکه اگر می‌توانید به همراه باد پرواز کنید.
خیزران در پاسخ به شوهرش مهدی این شعر را فرستاد:
شوق شما را به ما رسید و می‌کوشیم پرواز کنیم
کاش باد شوق و ما فی الضمیر ما را برایتان می‌آورد

۳. زبیده دختر منصور، همسر هارون الرشید و مادر محمد امین وی از بزرگان نیکوکار و تاجران سرشناس بود. در حجی که به جا آورد، حدود پنجاه میلیون درهم هزینه کرد.

ابن جوزی در «مرآة الزمان» گوید: زبیده در زمان منصور به دنیا آمد و منصور او را می‌رقصاند و می‌گفت: تو زبده و زبیده‌ای و این اسم برایش ماند.

عالمان سیره‌نویس گفته‌اند: زبیده اهل خیر و نیکی بر عالمان و فقرا و تهیدستان بود. از لطایف حکایت‌ها درباره‌اش آن است که شاعری دون‌مایه خواست زبیده را مدح کند و این شعر را گفت:
ای زبیده، دختر جعفر، خوشا به حال شاعر تو که پاداش می‌گیرد. تو از پاهای بیشتر از دست‌ها خواسته‌ها را برآورده می‌کنی.

اطرفیانش خواستند به او حمله کنند زبیده آنان را منع کرد و گفت: کاری به او نداشته باشید. او نیت خیر داشت ولی به خطا رفت و کسی که نیت خیر داشته باشد و به خطا رود نزد من بهتر است از کسی که نیت شر دارد ولی کاری درست می‌کند. او خواست مانند این شاعر شعر بگوید:

دست چپ تو از دست راست بخشنده‌تر است و پشت تو از صورت دیگران زیباتر
و گمان کرد که اگر پاها را بیاورد رساتر خواهد بود. زبیده دستور داد به وی جایزه‌ای دادند. ابونواس گفته است: بردباری و تحمل زبیده از عباس بن عبدالمطلب بیشتر بود. زبیده در سرزمین حجاز کارهای ماندگاری به جا گذاشت که حدود دو میلیون دینار برآورد شده است و هزینه‌هایش در امور خیر در سفر مکه‌اش را یک میلیون دینار برآورد کرده‌اند.

خطیب از اسماعیل بن جعفر بن سلیمان نقل می‌کند که امّ جعفر (زبیده) حج گزارد و هزینه‌هایش در شصت روز پنجاه و چهار میلیون درهم شد. و کیلش دفتر مخارج را نزد او آورد، زبیده وی را منع کرد و گفت پاداش الهی بهتر است و اندازه ندارد. نویسنده «اتحاف الوری بأخبار امّ القری» می‌نویسد:

در سال یکصد و نود و چهار، امّ جعفر زبیده، دختر منصور دستور داد برکه‌ای [منبع آب] در مکه ساخته شود و از چشمه داخل حرم برای شرب مردم مکه به آن برکه آب جاری شود، ولی آب کمی جاری شد و کفاف شرب مردم مکه را نمی‌داد و در این راه غرامت بسیاری دید. زبیده به مهندسان دستور داد از بیرون حرم نیز آب آورده شود تا آن برکه [منبع] پر شود. مردم می‌گفتند آب بیرون حرم به داخل حرم نیاید چون باید از کوه‌ها و سنگلاخ‌ها بگذرد ولی زبیده اموال بسیاری صرف این کار کرد تا به نتیجه رسید و نام نیکی از خود بر جای گذاشت.

۴. شجاع مادر متوکل (سال ۳۳۴ ق.)

او با نوه‌اش المنتصر بالله، محمد بن متوکل، در سال دویست و سی و چهار با تجملات بسیار حج گزارد.

۵. جمیله دختر ملک ناصر الدوله حمدانی (سال ۳۶۴ ق.)

وی در سال ۳۶۴ به همراه برادرش ابراهیم حج گزارد. حج او در تجملات و انجام کارهای خیر ضرب المثل شد. همراه او ۴۰۰ کجاوه و هودج بود که معلوم نبود جمیله در کدام یک است؛ زیرا همه در زیبایی و جمال مانند هم بودند.

وی مقدار زیادی خوراکی بر بار شتران با خود همراه کرد. خصلت‌های نیک، مکارم اخلاقی و جوانمردی را در این سفر ترویج کرد و خود نیز بدان پایبند بود. سیصد شتر و برخی گفته‌اند ۵۰۰ شتر با خود همراه کرد برای پیاده‌ها و درماندگان. وقتی کعبه را دید ده هزار دینار نثارش کرد. سیصد برده و سیصد کنیز آزاد کرد. به همراه خود سبزیجات کاشته شده در باغچه‌های سیار روی شتران به همراه داشت و به مجاوران ده هزار دینار بخشید و نام مجاوران در مکه و مدینه را در دفتر مستمری‌بگیران ثبت کرد. اموال فراوانی در این راه انفاق کرد. نه زبیده که هیچکس دیگری چنان نکرده بود.

۶. زُهره خاتون، مادر ناصر لدین الله (سال ۵۸۵ ق.)

او در سال ۵۸۵ با خدم و حشم بسیار حج گزارد و برخی از والیان هم او را همراهی می‌کردند. او خیرات بسیاری بر مردم کرد.

جارالله مکی در تاریخ خود گفته است: از مادران خلفا، تنها زمرد و ارغوان مادر مقتدی و زبیده مادر امین حج به جا آوردند.

ولی ظاهراً وی از حج خیزران مادر هارون الرشید و مادر معتصم با خبر نشده است.

۷. ربیعه خاتون خواهر عادل (سال ۶۰۸ ق.)

او در سال ۶۰۸ حج به جا آورد و در همین سال بود که درگیری و کشت و کشتار میان محمد ناصری امیر عراق با قتاده امیر مکه در مکه و منار رخ داد.

حاجیان عراق به حاجیان شام پناه بردند و محمد بن یاقوت، امیرالحاج عراقی به همراه خاتون مادر جلال الدین به خیمه ربیعه پناه آورد. ربیعه خاتون با ابن سلار پیغامی را برای قتاده فرستاد؛ گناه مردم چیست؟ قاتل را کشتی و آن را بهانه غارت مسلمانان و ریختن خون آنها در ماه حرام قرار دادی! به خدا سوگند اگر دست بر نداری چنین و چنان خواهم کرد. قتاده پس از آن، از جنگ دست برداشت و یکصد هزار دینار مطالبه کرد و مردم را سه روز اطراف خیمه ربیعه نگه داشت.

۸. مادر معتصم (سال ۶۴۱ ق.)

او در سال ۶۴۱ به همراه دواداره^۳ حج گزارد و حدود هزار و سی شتر به همراه داشت. سلطان نورالدین هدیه بزرگی برای آنها تدارک دید.

نویری گفته است: مادر خلیفه از بغداد حرکت کرد و فرزندش المعتصم بالله برای بدرقه و خداحافظی همراهش نشد. او را امیر مجاهد بن ایبک دواداری و سیف الدین قیران همراهی می کردند. حرکت آنان از بغداد، هفدهم شوال بود. مادر خلیفه در حجاز صدقه های فراوان داد و بسیاری از تهیدستان را بی نیاز کرد. بازگشت وی به بغداد پنجم صفر ۶۴۲ بود. مؤید الدین محمد علقمی و سایر صاحب منصبان به پیشواز وی رفتند و وزیر نصرالدین به خاطر بیماری و ناتوانی نتوانست به پیشواز رود. وی پس از بازگشت به تمامی همراهان خلعت داد و به مجاهدالدین دوادار پانزده هزار دینار؛ اعم از لباس و اسب داد.

۹. لرغوان مادر مقتدی

وی قره العین هم خوانده می شد. سه بار حج گزارد؛ مانند مادران خلفا. او ام ولد ارمنی بود؛ زنی صالح و اهل خیر که عمر طولانی کرد و خلافت پسرش مقتدی و فرزند مقتدی المستظهر و فرزند المستظهر المسترشد را دید و فرزند المسترشد را هم دید و از دنیا رفت و در رصافه او را دفن کردند.

۱۰. همسر پادشاه یمن (سال ۶۴۴ ق.)

او در سال ۶۴۴ حج به جا آورد و مسجد هلیلجه در تنعیم را که به نام عایشه معروف است، آباد کرد و در کنارش چاه آب شیرین ساخت.

۱۱. عمه صاحب هارِدین (سال ۶۹۴ ق.)

او در سال ۶۹۴ حج گزارد و خدم و حشم بسیار داشت. مال فراوانی صدقه داد و انفاق کرد که حاجیان، مردم مکه و مدینه و امرای این دو شهر و امیران حج از آن سود بُردند.

۱۲. خوند اُطفای، کنیز ملک ناصر محمد بن قلاوون (سال ۷۲۱ ق.)

او در سال ۷۲۱ حج به جا آورد و ارغون شاه به رسم کشورهای ترک هشت ارابه در اختیارش گذاشت. وی با این ارابه‌ها سفر کرد و بالایش پرچم‌ها و نشان‌های سلطانی نصب شد و با خود سبزی‌ها و گل‌های کاشته شده در باغچه‌های سیار بر روی شتران همراه داشت. سفر هیچ زنی از وابستگان پادشاهان مانند این سفر نبود امیر مجلسی و قاضی کریم الدین او را همراهی می‌کردند و نایب و حاجیان او را تا برکه الحاج [محل حرکت حاجیان] بدرقه کردند.

سفرش روز چهارشنبه هفدهم شوال شروع شد. وی حج به جا آورد و به قاهر برگشت و سلطان به استقبالش به برکه الحاج آمد. به امیران خلعت بخشید و مانند این حج در کثرت انفاق و خیرات شنیده نشده است. گفته شده سلطان برای حج وی هشتاد هزار دینار و ششصد و هشتاد هزار درهم هزینه کرد و این همه به جز اموالی بود که از شام و از سوی حاکمان مصر بُرده شد.

۱۳. الحرة مادر سلطان ابوالحسن علی بن عثمان بن یعقوب هریزی حاکم فاص (سال ۷۳۸ ق.)

او در سال ۷۳۸ حج به جا آورد و به همراهش جمعیت زیادی از مردم مغاربه به حج آمدند. الحره در یک گروه مستقل جلوی کاروان حرکت می‌کرد و در رکاب او جمال الدین والی حره بود. در آن سال در منطقه حجاز فراوانی و ارزانی بسیار بود. تا آنجا که آرد عالی به یک درهم و پنج رطل روغن به یک درهم و چهار رطل عسل به یک درهم خرید و فروش می‌شد. همچنین در مکه سیلی عظیم آمد که اگر تا صبح ادامه می‌یافت تمام مردم و مکه زیر آب می‌رفت.

۱۴. برکت خاتون، مادر سلطان اشرف شعبان بن حسین (سال ۷۷۰ ق.)

او در سال ۷۷۰ با خدم و حشم فراوان حج گزارد و در رکاب او گروهی از امیران بزرگ بودند. وقتی از حج بازگشت سلطان به پیشواز او به منطقه بویب آمد.

مقریزی گفته است: خوند برکت، زنی بزرگوار بود. او کنیزی صاحب فرزند بود، وقتی پسرش در کشور مصر به حکومت رسید، موقعیت فراوان یافت و با تجمل فراوان و ریخت و پاش بیش از اندازه به حج رفت.

تنی چند از امیران چون: بشاک العمری، رأس نوبه و بهادر جمالی و نیز یکصد غلام در خدمتش بودند.

یک گروه شتر، مزرعهٔ سیار او را که بر آن سبزیجات کشت شده بود، حمل می کردند. وقتی از حج برگشت، سلطان با لشکر از شهر بیرون آمده و تا منطقه بویب به استقبالش آمدند که مصادف با شانزده محرم بود. برکت زنی عفیف و اهل خیر بود که کارهای نیک بزرگی انجام داد و بدان جهت سالها حج او بر سر زبانها بود.

۱۵. خاتون، همسر امیر ایدکن

او از شام با خدم و حشم بسیار به حج رفت و سیصد سواره نظام در خدمتش بودند.

۱۶. خوند، دختر کمال الدین بارزی کاتب السر و همسر ظاهر (سال ۸۵۰ ق.)

او در سال ۸۵۰ به حج رفت و در همین سال خوند دختر عثمان نیز به حج آمده بود و هر دو با تجملات فراوان حج به جا آوردند. سید شریف برکات در استقبال آنان از اسب پیاده شد و جلو آنان پیاده حرکت کرد، از باب معلاة تا وارد مکه شدند.

۱۷. خوند خاصکی،^۵ زینب دختر علایی علی بن احمد بن خاص بک همسر ملک اشرف اینال (سال ۸۶۱ ق.)

وی به همراه پسرش سید احمد با تشریفات فراوان و بیش از اندازه در سال ۸۶۱ حج به جا آورد. کاروان او مرکب از سه هودج بود. سمت راست همسر پسر سلطان و سمت چپ زن دیگر او دختر دولات بای محمودی و سومی که در وسط بود برای خوند خاصکی زینب بود. در وصف لباسها و جواهرات او بسیار گفته اند.

این خانم یکبار دیگر نیز در سال ۸۷۹ به حج مشرف شد. او همسر ملک اشرف قایتبای بود و در رکاب او امیر بزرگ ازبک حضور داشت. در هودجی بود که مانند نداشت، پوشیده از مخمل و جواهرات. بر پای شتران خلخال طلا بسته بودند.

شریف صاحب مکه و امیران و قضات و کارگزاران از اسبها در استقبال او پیاده شدند و جلوی کالسکه وی حرکت می کردند تا به محل سکونت او در منطقه عطیفیه رسیدند و او به همه آنان خلعت بخشید و به مردمان مکه نیز اندکی کمک کرد.

۱۸. خوند احمدیه، همسر سلطان خوش قدم (سال ۸۶۸ ق.)

این زن جدۀ مادری احمد بن عبدالرحیم ابن قاضی بدرالدین العینی بود. در سال ۸۶۸ به همراه پسر دخترش و با تشریفات فراوان حج به جا آورد.

۱۹. خوند، مادر سید محمد پسر سلطان ملک اشرف (سال ۹۲۰ ق.)

وی به همراه پسرش در سال ۹۲۰ به حج رفت و سلطان آنها را با تشریفات فراوان و بیش از اندازه راهی سفر کرد.

وقتی فرزند سلطان وارد مکه مشرفه شد، امیر طبقای نایب قلعه منصوره بود و امیر الحاج افسار اسب را از سمت راست و آغاسنیل از سمت چپ گرفته بود و شریف برکات امیر مکه و سایر امیران هودج خوند را از مقام حنفی‌ها بر دوش گرفته و تا محل کاتب السر، که محل اسکان خوند بود، آن را حمل کردند و برای پسر سلطان فرش مخمل و حریر تا درب خانه‌اش پهن کردند و او آخرین حج‌گزار از اولاد پادشاهان مصر بود.

۲۰. عمه سلطان سلیمان خواهر سلطان سلیم بن عثمان، همسر توقاد و مادر محمد پاشا نایب حلب (سال ۹۵۸ ق.)

او در سال فتنه؛ یعنی سال ۹۵۸ به همراه کاروان شامی با تشریفات فراوان و موبک عظیم و خدمتکاران بسیار حج به جا آورد. در این سفر به مردم مکه و مدینه احسان فراوان کرد؛ از آن جمله فرونشاندن آتش فتنه در آن سال بود؛ زیرا وی علامه قطب الدین بن ملا علاءالدین نهروانی حنفی، مفتی حاجیان را نزد امیرالحاج که برای نبرد با امیر مکه آماده می‌شد فرستاد و آنان را از این کار بازداشت و رفتارشان را تقبیح کرد و فرمان داد یک منادی از طرف دو امیر امان و اطمینان را بانگ زَند و یاد آورد که این مکان شریف است. وی منشی مخصوص خود را با مفتی همراه کرد، در حالی که منادی بانگ می‌زد تا وارد مکه شدند و از بازارها گذشتند به منطقه جیاد رسیدند، در حالی که طبل جنگ نواخته می‌شد و نزد شریف مکه رفتند در حالی که او و فرزندش کلاه خود و زره بر تن کرده بودند. منشی مخصوص به شریف گفت: سلطانه سلام می‌رساند و می‌گوید این کشور تو است و او بر عهده گرفته که سلطان را از نبرد بازدارد. صورت شریف مکه باز شد و لباس جنگ از تن در آورد و گفت: ما تابع سلطانه هستیم و از خداوند و سلطان اطاعت می‌کنیم. فتنه بدین شکل خوابید. همین مطلب را برای سران نوشت و جواب آمد که با خواسته‌اش موافقت شده است و در گزارش‌های سفرش آمده است. مانند همین قضیه در سال ۶۰۸ پیش آمد و با پادرمیانی ربیعه خاتون خواهر ملوک عادل ایوبی و اجداد شریف مکه؛ یعنی قتاده آن فتنه را فرو خوابید.

۲۱. سوسن مادر پادشاه تتر (سال ۹۷۰ ق.)

وی در سال ۹۷۰ از راه شام به حج رفت و کاروان شامی با هیمنه و تشریفات فراوان وارد مکه شد. سید شریف حسن، امیر مکه وی را گرامی داشت و کاروان شامی با همان شکوه و هیمنه حج گزارد و بازگشت.

شماره ۸۵، پاییز ۱۳۹۷

میقات

۲۲. همسر محمود، پاشای کشور یمن

وی در اصل کنیز خوشکلدی مادر فرزندان پاشا بود. بارها به همراه خوشکلدی به حج رفت و دو بار با محمود که فرمانده کاروان حج بود، حج به جا آورد؛ یکی در سال ۹۵۸ و دیگری در سال ۹۷۰ در هر بار کاروانش با تشریفات فراوان و پر از زرق و برق همراه بود.

۲۳. همسر احمد بن یحیی حمزوی

احمد بن یحیی شوهرش در منطقهٔ ابّ در یمن از دنیا رفت و او به سفر ادامه داد تا اینکه پس از به جا آوردن حج در مدینه فوت کرد و در کنار قبر امهات المؤمنین در چهاردهم محرم مدفون گشت.

۲۴. إسوآة هندیه (سال ۹۷۰ ق.)

او از راه دریا با تشریفات بسیار در سال ۹۷۰ حج به جا آورد. وقتی به ساحل جدّه رسید و خواست به مکه برود، سوار بر شتر و چیز دیگر نشد بلکه خود هودج ماندی کوچک از هند آورده بود که نوه‌هایش آن را بر دوش حمل می‌کردند و او داخل نشسته بود در طواف و سعی نیز چنین بود. گویند بزرگان هند رسمشان چنین است.

۲۵. شاهی خوبان ندیمه والده سلاطین (سال ۹۶۴ ق.)

او که از نزدیکان والدهٔ سلاطین بود، در موسم ۹۶۴ از راه شام با تشریفات فراوان و عظمت و ابهت حج به جا آورد.

وقتی به منزل زاهر رسید، سید شریف، امیر مکه به استقبالش آمد و او را در مدرسهٔ الأشرف قایتبای محل نزول امیران حج سکنا داد و چون خواجه خضر بن عبد الله رومی، امیر مصری به آن مکان آمد، شاهی خوبان را به منزلی نزدیک مدرسه شریف ابی نُمی انتقال دادند که آن را به پنجاه دینار طلا کرایه کرده بودند و این جابجایی مرسوم نبود؛ زیرا شاهی خوبان حکم سلطانی داشت که هر جا خواست اقامت کند و او مدرسهٔ اشرفیه را برگزیده بود. شریف مکه برایش مانند امیران حج، رستهٔ نظامی آماده کرده بود و برایش هدایای فراوان فرستاد؛ زیرا وی از جواری سلطان بود. آن سال را در مکه ماند و امیر مکه هر روز برایش قوچی و وسایل پذیرایی می‌فرستاد و در سال ۹۶۵ حج به جا آورد و با کاروان شامی برگشت. گفته شده به بعضی فقرای مکه یک دینار طلای سلطانی که تازه ضرب شده بود صدقه داد.

۲۶. سلطانه دختر موسی سلطان (۹۷۱ ق.)

از طبقه امیران ترک بود که به آنان بایندروسته می‌گفتند. او مادر شاه اسماعیل میرزا، سلطان خراسان بود که پدرش به خاطر تندى او را برکنار کرد و نزد خود نگه داشت. سلطانه در سال ۹۷۱ از راه شام با تشریفات فراوان به حج رفت.

وقتی به بغداد رسید، چون لشکر زیادی از عجم همراه داشت، نایب بغداد در اجازه ورود دادن به وی توقف کرد و مانع شد از بغداد بگذرند، لباس رزم پوشید و لشکر آماده کرد و مطلب را به سلطان سلیمان رساند که او برای حج آمده آیا اجازه ممانعت می‌دهد؟ و نایب به سلطانه گفت می‌تواند با عده کمی از جمعیت برود نه تمام آنها و وقتی نزد نایب شام رسید، او نیز دستور داد همراهانش را کم کند و سلطانه پذیرفت نایب شام نیز از سلطان کسب اجازه کرد.

او در ساعات خلوت به همراه نزدیکانش طواف می‌کرد. (نویسنده کتاب) می‌گوید: از شریف مکه پرسیدم برایش هدیه فرستادی؟ گفت: نه، ولی از طرف او برخی برای سلام آمدند و هدایایی همراه داشتند که من اعتنایی نکردم.

دوم؛ حج‌گزاری زنان مشهور بر پایه یافته‌های نویسنده

چنانکه در ابتدای مقاله اشاره شد، این موضوع در مراحل آغاز تبع و پژوهش قرار دارد و قاعدتاً آنچه را به عنوان یافته‌های نویسنده می‌آورم، باید گام نخست و آغازین تلقی گردد:

۱. همسران پیامبر ﷺ

گزارش‌هایی پراکنده از حج‌گزاری همسران پیامبر در روایات اسلامی ثبت شده است که به آنها اشاره می‌کنیم:

۱/۱. عایشه

نقل شده است که عایشه به دور از مردان طواف می‌کرد. زنی به وی گفت: همراه شو تا استلام کنیم، عایشه به وی گفت: تو برو و خود همراه او نرفت.

و نیز نقل است که در شب‌ها و به صورت ناشناس همراه مردان طواف می‌کرد.^۶ و نیز از عایشه نقل شده که همراه پیامبر مُحرم بودیم، وقتی کاروان‌ها از کنار ما عبور می‌کردند صورت خود را می‌پوشاندیم و وقتی از ما می‌گذشتند صورت را باز می‌گذاشتیم.^۷ و نیز منقول است که عایشه در حج مبتلا به قاعدگی شد، تمام مناسک را به جا آورد جز طواف و وقتی از عادت ماهانه پاک شد طواف کرد.^۸

عایشه نقل می‌کند چون صفیه حیض شد و هنوز طواف وداع به جای نیاورده بود، وقتی پیامبر خدا قصد بازگشت از مکه را داشت، صفیه بر در خیمه ناراحت و غمگین ایستاده بود.^۹

۲. اسماء بنت عمیس

گفته‌اند اسماء بنت عمیس قبل از احرام زایمان کرد.^{۱۰}

۳. اسماء دختر ابوبکر

وی خود می‌گوید: پیش از آنکه دستور جدید بیاید ما صورت‌های خود را در حال احرام از مردان می‌پوشانیدیم و موها را شانه می‌زدیم.^{۱۱} و نیز نقل می‌کند به همراه پیامبر خدا ﷺ به سفر حج رفتیم.^{۱۲}

۴. فاطمه دختر هنذر

وی می‌گوید ما صورت‌ها را در حال احرام می‌پوشانیدیم و همراه اسماء دختر ابوبکر بودیم.^{۱۳}

۵. زنان گزارش‌گر واقعه غدیر (سال ۱۰ ق.)^{۱۴}

نام گروهی از زنان در سلسله سند حدیث غدیر آمده است که آنان واقعه غدیر را به صورت مستقیم از پیامبر شنیده و نقل کرده‌اند. ظاهر چنین نقل‌هایی آن است که اینان پیامبر را در حجة الوداع همراهی کرده و حج به جا آورده‌اند. نام این زنان از این قرار است:

۵/۱. حضرت فاطمه زهرا علیها السلام

قَالَتْ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لِعَلِيِّ عليه السلام: «مَنْ كُنْتُ وَلِيَّهُ فَعَلِيٌّ وَلِيَّهُ وَ مَنْ كُنْتُ إِمَامَهُ فَعَلِيٌّ إِمَامُهُ».^{۱۵}

این سند را ابن عقده در کتاب غدیر و نیز شمس الدین شافعی معروف به ابن الجزری در کتاب اسنی المطالب فی مناقب علی بن ابی طالب و چند نفر دیگر گزارش کرده‌اند.

۵/۲. امّ سلمه

وی نقل کرده است: «أَخَذَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ بِيَدِ عَلِيِّ عليه السلام بِغَدِيرِ خُمٍّ فَرَفَعَهَا...»^{۱۶}

۵/۳. امّ هانی، خواهر علی علیه السلام

وی نقل کرده است: «رَجَعَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مِنْ حَجَّتِهِ حَتَّى نَزَلَ بِغَدِيرِ خُمٍّ ثُمَّ قَامَ خَطِيباً بِأَهْلِ جَرَّةٍ فَقَالَ...»^{۱۷}

۵/۴. فاطمه دختر حمزه بن عبدالمطلب.^{۱۸}

۵/۵. اسما، بنت عمیس^{۱۹}

۵/۶. عایشه دختر پیامبر^{۲۰}

۶. ام حبیب دختر عبدالله بن ادهم

گفته‌اند وی به حج مشرف شده بود. امام حسن علیه السلام قاصدی را برای خواستگاری فرستاد. ام‌حبیب گفت: من به این شهر برای ازدواج نیامده‌ام بلکه به قصد زیارت مشرف شده‌ام. وقتی به شهرم بازگشتم، اگر خواسته‌ای داشتی اقدام کن. وقتی زن به شهر خود بصره برگشت امام حسن شخصی را برای خواستگاری فرستاد.^{۲۱}

۷. سکینه دختر امام حسین علیه السلام (سال ۹۵ ق.)

عبدالقادر حنبلی در کتاب «الدر الفرائد المنظمة»^{۲۲} ضمن گزارش حج عایشه دختر طلحه می‌آورد: سکینه در همان سال حج به جا آورد و گفتگویی میان عایشه و سکینه رخ داد که در قسمت قبل آن را آوردیم.

۸. ام اسماعیل همسر امام صادق علیه السلام

محمد بن مسلم گوید: وارد خیمه امام صادق علیه السلام شدم، دیدم ایشان با زنی سخن می‌گویند، به عقب برگشتم. فرمود: نزدیک بیا این ام اسماعیل (همسر من است) که نزد من آمد و به وی می‌گفتم این همان جایی است که خداوند حج سال اولت را حبط کرد. آنگاه امام داستانی را نقل می‌کند که ام اسماعیل در ایام حج کنیزش را کتک زد و سرش را تراشید.^{۲۳} [و ظاهراً به همین خاطر فرمود خداوند حجش را حبط کرد].

۹. مادر معاویه بن عمار

معاویه بن عمار از راویان امام صادق علیه السلام که روایت‌های بسیاری نقل کرده است، در روایتی به امام صادق عرض می‌کند: «إِنَّ أَبِي قَدْ حَجَّ وَ وَالِدَتِي قَدْ حَجَّتْ»؛ «پدر و مادرم حج به جا آورده‌اند.»

حال می‌خواهم آنان را در حج خود شریک سازم.^{۲۴}

۱۰. رحیم، ام ولد حسین بن علی یقظین

شیخ طوسی در کتاب الغیبه از او حدیث روایت کرده و در فضایلش گفته است:

«وَ كَانَتْ امْرَأَةً فَاضِلَةً قَدْ حَجَّتْ نَيْفًا وَعِشْرِينَ حَجَّةً».^{۲۵}

«زنی فاضل بود و بیست و چند نوبت حج به جا آورد.»

۱۱. زنان حج‌گزار در سفرنامه ابن جبیر

ابن جبیر وقتی به حج می‌رسد، در سفرنامه خود توجه تام و تمام به حضور زنان دارد و در سالی که حج به جا آورد؛ یعنی ۵۷۹ از چند زن مشهور نام می‌برد که در قسمت اول این سلسله مقالات درج شد^{۲۶} و در اینجا فقط به ذکر نام آنها اکتفا می‌شود:

۱۱/۱. ملکه خاتون دختر امیر مسعود، شاه در بند و لرمنستان^{۲۷}

۱۱/۲. مادر معزالدین صاحب موصل و همسر بابک^{۲۸}

۱۱/۳. دختر دقوس صاحب اصفهان^{۲۹}

۱۱/۴. بانوجمانه دختر فلیته، عمه امیر مکتب^{۳۰}

۱۱/۵. خاتون‌های خراسانی^{۳۱}

۱۲. زنان سفرنامه‌نویس

یکی از راههای دست‌یابی به اطلاعات زنان حج‌گزار، سفرنامه‌هایی است که توسط زنان نگارش یافته است. در این سال‌های اخیر که همت به چاپ و نشر سفرنامه‌های حج جدی شده، در لابلای آنها چند سفرنامه نیز از زنان نشر یافته که گزارش سفر خود از حج را بازگو کرده‌اند. در قسمت قبلی این سلسله مقالات به پنج مورد اشاره کرده‌ام که در اینجا به ذکر نام آنها اکتفا می‌شود. و به آن مقاله ارجاع می‌دهم.^{۳۲}

۱۲/۱. زوجه میرزا خلیل (قرن ۱۲)

۱۲/۲. حاجیه خانم علویه کرمانی (۱۳۱۴ - ۱۳۰۹ ق. / ۱۲۷۳ - ۱۲۷۱ ش.)

۱۲/۳. دختر فرهاد میرزا همسر نصیر الدوله (سال ۱۲۹۷ ق.)

۱۲/۴. شکوه میرزادگی (۱۳۵۶ ش.)

۱۲/۵. شهید بنت الهدی، خواهر شهید سید محمد باقر صدر

در این مقاله در مجموع از ۵۲ زن که به حج مشرف شده‌اند یاد کردیم، ۲۶ زن از کتاب عبدالقادر حنبلی آوردیم و ۲۶ زن را نیز خود بدان افزودیم. برای تکمیل این پژوهش، نخست باید شناسایی زنان را از کتب تاریخ و تراجم انجام داد و سپس به تکمیل اطلاعات و چگونگی بجا آوردن حج آنان پرداخت و مرحله سوم تحلیل داده‌ها و اطلاعات است که می‌بایست از منظرهای گوناگون صورت داد. امید است خداوند توفیق عنایت فرماید این آغاز به فرجامی خوش و سودمند برای جامعه زنان مسلمان و تمدن اسلامی ختم گردد.

پی‌نوشت‌ها:

۱. مشخصات کتابشناختی این اثر چنین است:
الدرر الفرائد المنظمه فی اخبار الحاج و طریق مكة المعظمه، تحقیق: محمدحسن محمدحسن اسماعیل، دارالکتب العلمیه، بیروت، ج ۲، ص ۴۸۱ و ۴۹۲
۲. منسوب به روستایی در یمن، لغت‌نامه دهخدا.
۳. این کلمه، هم نام یکی از وزرای معروف در دوره ممالیک مصر است و هم عنوانی است در آن دوره برای کسانی که نامه‌های صادره از طرف سلطان را به مقصد فرستاده و عرایض را به سمع وی می‌رسانند. لغت‌نامه دهخدا.
۴. خُونَد به معنای خانم، بانو و بی‌بی است. لغت‌نامه دهخدا.
۵. خاصکی به معنای مقرب و مصاحب پادشاه از کنیزان. لغت‌نامه دهخدا.
۶. صحیح البخاری، کتاب الحج، ح ۱۶۱۸
۷. مصنف عبدالرزاق، کتاب الحج، ح ۹۰۱۸
۸. صحیح البخاری، باب العمرة، ح ۱۷۸۵
۹. صحیح البخاری، کتاب الطلاق، ح ۵۳۲۹؛ صحیح المسلم، کتاب الحج، ح ۱۲۱۱

۱۰. حج المرأة، ص ۱۸۱
۱۱. المصنف عبدالرزاق، كتاب الحج، ح ۹۰۱۸
۱۲. سنن ابی داود، كتاب المناسك، ح ۱۸۱۸
۱۳. الموطأ، ج ۱، ص ۳۲۸
۱۴. الغدير، ج ۱، ص ۵۸
۱۵. بحار الانوار، ج ۳۸، ص ۱۱۲، در این قسمت، از نوشته محقق ارجمند جناب حجت الاسلام و المسلمین سید ضیاء مرتضوی با عنوان «حضور بانوان در نقل حدیث غدیر» فصلنامه علوم حدیث، ش ۷، بهار ۱۳۷۷، ایده و بهره گرفته‌ام.
۱۶. الغدير، ج ۱، ص ۱۷
۱۷. الغدير، ص ۱۷
۱۸. همان، ص ۵۸
۱۹. همان، ص ۱۷
۲۰. همان، ص ۴۸
۲۱. بلاغات النساء، ص ۱۸۴
۲۲. الدرر القرائد المنظمه فی اخبار الحاج و طریق مكة المعظمه، ج ۲، صص ۴۸۱ و ۴۸۲
۲۳. وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۳۳۷، ح ۲۰۳۶
۲۴. وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۲۰۳، ح ۱۴۶۲۷
۲۵. الغیبه طوسی، ص ۲۳؛ بحار الانوار، ج ۴۸، ص ۲۳، باب ۹، ح ۳۶
۲۶. میقات حج، ش ۶۳، مقاله «زن در حج گزاری مسلمانان».
۲۷. سفرنامه ابن جبیر، ص ۲۲۹
۲۸. همان، ص ۲۳۰
۲۹. همان.
۳۰. همان، ص ۱۷۲
۳۱. همان، ص ۲۲۱
۳۲. میقات حج، ش ۸۲، زمستان ۱۳۹۱، ص ۱۴۷، مقاله: «خدمت زنان به حج» از همین نویسنده.

